

## بسم الله الرحمن الرحيم

### یادی از تجاوز در نوشته های قبلی!

نوشته و طرح کارتون: انجنیر محمد نذیر تنویر

نسخه های جدید مضامین قبلی، در هژدهمین سالروز تجاوز امریکا بر میهن ما، 7 اکتوبر 2001

Author & Graphic Design: M.N. Tanwir



### تذکر:

نسخه های جدید مقالات را؛ در «هفتاد دو روز وحشت» بعد از تجاوز امریکا، پیگیری و مرور خواهیم کرد، تا باشد که با این یادآوری ناچیز، پیوندی در ضمیر خویش با قربانیان این «تجاوز منحوس» داشته باشیم. بیایم تا با تکثیر همچو نسخه ها؛ که شمه ای از واقعات تکان دهنده و تراژدی های این سرزمین مظلوم و مجاهد پرور می باشد، جای پای منافقین و وطن فروشان دین ستیز را در آینده این سرزمین مسلمان محدود گردانیده، و خویشتن را نیز در جمع خیراندیشان پیوند زنیم، تا باشد که اگر بهره ای از ثواب الهی را نصیب گردیم. ان شاء الله

مضمون شصت و سوم (بخش سوم رساله):

### 63- تحفه تو، کفن من! (3)

نوشته و گرافیک دیزاین: انجنیر محمد نذیر تنویر

تاریخ نشر نسخه اول: 21 می 2019

### بخش سوم:

زمان صرف غذا فرا رسید، و از موقع استفاده برده و زود سری به اطاقم زدم. از تلفون آنجا نخست با **عمار یاسر** و بعداً با سخنگوی «دفتر امارت اسلامی» **شاهین سهیل** صحبت تفصیلی نمودم و از ایشان خواستم که بعد از این، ابتکار عمل در دست شما خواهد بود، و

ما منتظر تصامیم شما می مانیم. ایشان گفتند در صورتی که مهمانان تصمیم برگشت را داشته باشند، سعی خواهیم کرد تا جلسه را امشب دایر نمایم، در غیر این صورت ان شاء الله فردا آنرا ترتیب خواهیم داد. به وی از عدم برگشت سریع مهمانان اطمینان دادم، اما وی در رابطه به پیشنهاد بنده نسبت به درخواست دو روز پیهم (مانند کنفرانس اصلی) جلسه و بعداً با اتمام صدور قطعنامه، کدام چراغ سبز نشان نداد. اینجا بود که دریافتم که نشست با «مسئولین امارت اسلامی» شاید محدود به یک جلسه گردد که می باید بعضی گفتنی ها و پیام های خویش را در روی کاغذ آماده سازم، اما تا هنوز تصمیم نهایی معلوم نبود.

بلی! محدود بودن زمان و کثرت گفتنی ها، بار مسئولیت را سنگین و سنگین تر می گردانید، که به همین علت کمتر در حلقه های دوستان حضور می یافتم، و از نشست های جانبی و سیر و سیاحت به دور مانده بودم. با توکل به **الله جل جلاله** و جدیت به کارم ادامه می دادم، و آرام آرام نوشته ها و یادداشت های پراکنده، نظم و جمع بندی می یافت.

شب آغاز شد، و برنامه فردا نیز یقینی گشت. از «دفتر امارت اسلامی» اطلاع حاصل نمودیم که ایشان فردا (20 اپریل) ضمن ملاقات، برای ما ترتیب مهمانی را نیز گرفته اند. هرچند که هتل ما شامل غذا بود، و ضرورت به مصرف گزاف دوباره از برای آنها نمی رفت. اما آنها یک بار دیگر رسم «افغانیت» و «مهمانوازی» شان را به تمثیل کشتائیدند. آنها از این هم بیشتر برای مهمانان شان «عزت» قایل گشتند، و فردای آن روز (ساعت ده صبح) با سرویس جهت انتقال مهمانان به محل جلسه، به دروازه ورودی هتل نزد ما آمدند.

«عزت» در پی «عزت»: در هنگام مصافحه، در هنگام صحبت، در هنگام صرف غذا، در هنگام ختم جلسه، در هنگام وداع و وو... برای بنده تصویری را خلق می کرد که شاید برای دیگران کمتر قابل توجه و مهم بوده باشد. چونکه بنده «نشست و برخاست» و سفر های متعددی؛ در دوران تجاوز شوروی با بزرگان جهاد داشتم، که به راحتی تفاوت ها را می توانستم درک نمایم.

بلی، آنها برای دیگران «عزت» قایل می شدند، چونکه بزرگی خویش را در «عزت» دیگران می دیدند، و به همین علت بود که عنوان این رساله به «تخفه تو، کفن من!» شکل یافت

برای بنده درک همچو حالات و مقایسه آن با دوره اول جهاد آسانتر از دیگران بود. چونکه در دوره های مختلف جهاد با رهبران و بزرگان جهادی «نشست و برخاست ها»، مصاحبه ها و سفر های جهادی داشتم. حالت فعلی، تصویری از حالات قبلی را در برابر دیدگانم مجسم می ساخت. بخاطر رسیدن که یکی از بزرگان دوره اول جهاد؛ که مسئول تعلیم و تربیه حزبش نیز بود، می گفت:

«بعد از پیروزی، ما در میدان های هوایی از آنها می شنیدیم که در غرب زندگی دارند با مرمی استقبال خواهیم کرد!»

اما حالا، بزرگان طالب چنان با ما برخورد خالصانه و از ته قلب دارند که **گویی میان، فاتحان شکست متجاوزین (امریکا و 49 کشور متحدش) باشیم.**

**بلی! نزدیکی بیشتر با افراد طالب (که فرقی میان مسئول و مامور ایشان پیدا نبود)، هیولایی داستان های خود ساخته میدیا های غربی و وابستگان مزدور ایشان را هر لحظه کمرنگ و کمرنگتر می ساخت و مهمانان را بیشتر شیفته اخلاق شان می گردانید.**

اینکه نشست قطر به یک مقیاس کوچکتری شکل می یافت، برای ما وقتی بیشتری را مساعد می گردانید تا گفتنی ها و طرح های خویش را مطرح ساریم. این مطلب که می باید، مهمانان با هماهنگی قبلی، از وقت شان استفاده اعظمی برند، مرا از عقب کمپیوتر به «سالون لابی» کشاند. زمان صرف غذای شب نیز بود، که در جریان صحبت ها به توافق رسیدیم تا بعد از غذا نشست کوتاه بین همدیگر از برای برنامه فردا داشته باشیم.

از وضع چنان پیدا بود که آمدن مهمان ها، از برای نشست قطر تا هنوز هم ادامه داشت، بخصوص مهمانانی که از طرف «انستیتوت دوحه» دعوت نشده بودند، و آنها به «مصرف شخصی» عزم سفر و اقامه در این هتل گزاف را نموده بودند. نکته ای که برایم سوال برانگیز بود، زیرا بنده که 35 سال در اروپا زندگی می دارم و مسلک انجیری را نیز پیش می برم، توان همچو سفر ها، و اقامه در همچو هتل های گزاف را ندارم، پس این «افراد داوطلب» در چه سطح خواهند باشند؟

نشست های کوتاه با همسفران، گاه و بیگاه مسبب آشنایی بیشتر از دیدگاه های ایشان می گشت:

دیدگاه های متفاوت، فضای صحبت میان مان را شکل می داد، اما اکثریت افراد با «نیات نیک» روی حل بحران کشور می اندیشیدند.

بنده از دوستان خواستم تا از این فرصت محدود استفاده اعظمی بریم و از مطالب جانبی گذشته، نوع حکومتداری و تثبیت انواع حقوق مدنی را برای جلسات بعدی بگذاریم؛

تعداد کثیری از مهمانان، از «معامله گری» با اداره کابل و نقش دوباره چهره های خائن در آینده تشویش داشتند، که محور سوالات شان نیز روی همین مطلب شکل می یافت؛

یک تعدادی روی نوع حکومتداری و تثبیت انواع حقوق، و ابعاد کاری حکومت آینده تاکید داشتند؛

تعدادی محدودی نیز از برای «شخصیت سازی» خود شان در بین نیروی مقاومت، قضایا را بر مبنای گروهی، توصیف و مدح گرایانه تحلیل و می سنجیدند؛

تعدادی محدودی بشمول «مهمانان ناخوانده»، صلح با اداره کابل را مبنای راه حل کشور می دانستند، و مطالبی را نیز براساس «معامله گری» از زوایایی مختلف مطرح می ساختند. همین تعداد بعداً سعی داشتند تا فضای محدود صحبت ها را نیز روی همین «مطالب جانبی» گرم نگه بدارند تا به دیگران کمتر وقت مساعد گردد، خطری که کمتر از سیاهی لشکر (250 نماینده) اداره کابل نبود. همین مطلب یکی از نکات ضعف فرهنگی «دفتر امارت اسلامی» در دوحه را تشکیل می داد، که نشر بخشی از خبر این نشست را زیر پوشش اش شکل داده بود؛

ووو...

بلی! در حالی که بیش از چهار دهه از بحران افغانستان می گذرد؛ کمتر فردی از شهرنشینان و تحصیلکرده ها، «محور بحران» را در عدم تطبیق «شریعت الهی» می دیدند. کمتر دیدگاه ها «شریعت الهی» را در اولویت حل بحران قرار می دادند، هرچند که به آن احترام می گذاشتند. چنان تصور می داشتند که گویی «شریعت الهی» مجزا از حکومتداری بوده، و آن یک تکلیف فردی می باشد. برخی افراد اصلاً نشانه های از جنگ عقیده را در «بحران کشورما» یا نمی دیدند و یا احساس نمی کردند و یا اینکه خود را گول (بی خبر) می زدند.

پس در عدم درک این احساس؛ ضرورت به «شناسایی بحران» می رفت، تا به آسانی به «طرق عملی رفع بحران» دست پیدا می نمودیم! اما عدم گنجایش این دو بحث در یک نشست «شش و نیم ساعته»، کار دشوار و غیر عملی بنظر می رسید. تصمیم گرفتم تا بحث «شناسایی بحران» را روی کاغذ تهیه بدارم، و «طرق عملی رفع بحران» را در جلسه به بحث بکشانم. طبیعی ست که ترتیب «نشر مطلب» به تناسب «بیان مطلب»، به مراتب به دقت بیشتر و وقت زیادتر ضرورت می دارد. زود دوستان را ترک گفته و در «صالون میدیاتیکی» بکار خویش ادامه دادم. در جریان کار معلومات حاصل نمودم که می باید از برای پنجاه نفر، مطلب خویش را چاپ نمایم. ساعت دو شب در حالی که بر مضمون دومی «طرق عملی رفع بحران» کار می کردم، رنگ چاپگر (پرینتر) هاتل تمام گشت. آنجا را ترک گفته به اطاق برگشته، و پس از دونیم ساعت استراحت از برای نماز صبح از خواب برخاستم. دیگر وقت صرف غذای معنوی بود:

پس از نماز و «اذکار صبح» بکارم دوباره ادامه داده، و گاه و بیگاه به «صالون میدیاتیکی» سر می زدم تا آنکه کارمندان آنجا به سری کار شان برگشتند. پس از تبدیل کارتریج چاپگر (پرینتر)، دوباره به چاپ مطلب خویش پرداختم. تا ساعت نه و نیم صبح، نتوانستم بیشتر از سی دانه چاپ نمایم. با خود گفتم که برای همسفران، بعد از برگشت از مجلس آنرا تهیه خواهم داشت.

زمانی که به «صالون لابی» هاتل برگشتم، همه را در حال انتظار در مقابل دروازه ورودی هاتل یافتم. در بین مهمانان چهره های جدید نیز دیده می شد، که در معرفی کوتاه یکه باهم داشتیم، کمتر خلوص نیک نسبت به «صلح» در ایشان دیده می شد، و آنها بیشتر معتقد معامله گری و تقسیم قدرت بودند. از وضع چنان پیدا بود که هرکس نمی توانست در این نشست خودسرانه اشتراک نماید، به همین علت **حیدر الله نظیم و عبدالرحمن مدنی** (فدا جان ژورنالیست نن آسیا) مصروف تماس های تلفونی با دفتر امارت بودند تا اجازه اشتراک بعضی افراد را دریابند. لحظه ای نگذشت که نظیم صاحب با آواز بلند، **خالد هادی** را مخاطب قرار داد که وی می تواند در جلسه اشتراک نماید. برای نظیم صاحب گفتم که کاری خوبی نکردی، وی (خالد هادی) ژورنالیست سی ان ان می باشد، و احتمال زیاد می رود تا وقت محدود مایان را در سوالات غیر ضروری به هدر برد. فدا جان ژورنالیست نن آسیا به دفاع از خالد پرداخت و وی را مسئول سایت بینوا نیز معرفی داشت.

بنده که تاهنوز صبحانه ام را صرف ننموده بودم، از رستوران آنجا سریعاً چند چیزی ساده را برداشتم، و از ژورنالیست جوان و بابصیرت **عمران فیروز** خواستم تا با رسیدن سرویس برایم اطلاع دهد.

درست ده صبح، سرویس در برابر دروازه ورودی هاتل حاضر گشت، و اعضای دفتر امارت از همه محترمانه خواستند تا بسوی محل برگزاری نشست حرکت نمایم. فضای سرویس را، سوالاتی که می باید با «مسئولین طالب» مطرح سازند، پُر ساخته بود. بطور کلی، محور سوالات را عدم معامله گری با اداره کابل، و تثبیت انواع حقوق مدنی، در ابعاد کاری حکومت آینده تشکیل می داد، و تعدادی

نیز می گفتند که ما بیشتر منتظر شنیدن هستیم تا گفتن. از دوستان خواستم تا اگر بجای مطرح ساختن سوالات غیرضروری و جانبی؛ برای بنده کمی بیشتر وقت دهند، چونکه گفتنی های زیادی در ابعاد «عملی رفع بحران کشور» دارم. اما **غلام نبی غوثی**؛ مانند عادت همیشگی اش که علاقمند رهبری و پیش دستی در امور را داشت، و از جانب دیگر ظرفیت تحلیل مسایل در وی نیز محدود و در یک حصار فکری (ناشی از تعقیب اخبار یک بعدی) بسر می برد، باعث عدم پاسخ دیگران نسبت به پرسشم گردید.

## بخش چهارم:

سرویس به محل برگزاری نشست رسید، و مهمانان بعد از عبور چند دهلیز به جوار سالون کنفرانس رسیدند. طالبان با چهره های شاد، و تبسم بر لبان در یک صف طولانی از برای مصافحه طوری ایستاده بودند که مهمانان را به عمق سالون مسیر می دادند. در هنگام مصافحه با معرفی کوتاه (تنویر از هالند) به عکس العمل های متفاوتی برخوردیم...

(منتظر ادامه مطلب در **بخش چهارم** بمانید)

## لست مضامین مجموعه (یادی از تجاوز در نوشته های قبلی!):

- 1- جنگ بر علیه تروریسم! <http://www.2afghan.nl/20191007-1USinvasion.pdf>
- 2- شکار صلح! <http://www.2afghan.nl/20191007-2USinvasion.pdf>
- 3- دستاورد دو تجاوز! <http://www.2afghan.nl/20191007-3USinvasion.pdf>
- 4- چرا هفتم اکتوبر روز سیاه در تاریخ کشور نیست؟ <http://www.2afghan.nl/20191007-4USinvasion.pdf>
- 5- از عاشورای حسینی تا عاشورای طالبی! <http://www.2afghan.nl/20191007-5USinvasion.pdf>
- 6- 72 روز وحشت! <http://www.2afghan.nl/20191007-6USinvasion.pdf>
- 7- آغاز زوال «تک قدرت جهان»! <http://www.2afghan.nl/20191007-7USinvasion.pdf>
- 8- تولد کمونیستها از بطن امپریالیسم! <http://www.2afghan.nl/20191007-8USinvasion.pdf>
- 9- حکومت «وحدت ملی» یا تکرار «اتلاف شمال»! <http://www.2afghan.nl/20191007-9USinvasion.pdf>
- 10- مکتی بر 72 روز وحشت! <http://www.2afghan.nl/20191007-10USinvasion.pdf>
- 11- کابل می گریست! <http://www.2afghan.nl/20191007-11USinvasion.pdf>
- 12- سروده ای «یکی» «دیگری»! <http://www.2afghan.nl/20191007-12USinvasion.pdf>
- 13- شش جدی، زایشگاه ای وطن فروشان! <http://www.2afghan.nl/20191007-13USinvasion.pdf>
- 14- پیروزی که، قدرش را ندانستیم! <http://www.2afghan.nl/20191007-14USinvasion.pdf>
- 15- چهارمین فرار انگلیس! <http://www.2afghan.nl/20191007-15USinvasion.pdf>
- 16- مردی که در عدم حیات اش نیز، «معاندین اسلام» را به زانو درآورد! <http://www.2afghan.nl/20191007-16USinvasion.pdf>
- 17- در لابلای ادعای دوستم، مکتی بر سوانح زعیم امارت اسلامی! <http://www.2afghan.nl/20191007-17USinvasion.pdf>
- 18- توطئه ای 11 سپتامبر، و مقاومت مجاهدین راستین! <http://www.2afghan.nl/20191007-18USinvasion.pdf>
- 19- تجاوزی که «قاتلان بدون سرحد» را، زیر «نظام دمکراسی» بسیج ساخت! <http://www.2afghan.nl/20191007-19USinvasion.pdf>
- 20- کفار ملت واحد اند! <http://www.2afghan.nl/20191007-20USinvasion.pdf>
- 21- از طمطراق تا توطئه! <http://www.2afghan.nl/20191007-21USinvasion.pdf>
- 22- فرزندان شهدای «قلعه جنگی» در «فرودگاه قندهار» حماسه آفرینند! <http://www.2afghan.nl/20191007-22USinvasion.pdf>
- 23- منافقین، آخرین امید متجاوزین! <http://www.2afghan.nl/20191007-23USinvasion.pdf>
- 24- پیامی به نمایندگان امارت اسلامی در کنفرانس پگواش! <http://www.2afghan.nl/20191007-24USinvasion.pdf>
- 25- پیروزی خون بر شمشیر! <http://www.2afghan.nl/20191007-25USinvasion.pdf>
- 26- مردی که امارت را همچو سلف اش نگهداشت! <http://www.2afghan.nl/20191007-26USinvasion.pdf>
- 27- یادی از بزرگ مرد سرزمین ما، یادی از ملامحمد عمر مجاهد! <http://www.2afghan.nl/20191007-27USinvasion.pdf>
- 28- فتنه ای نو از حنجره کهن! <http://www.2afghan.nl/20191007-28USinvasion.pdf>
- 29- یادی از آمدن کیوتران! <http://www.2afghan.nl/20191007-29USinvasion.pdf>
- 30- این است آچین! <http://www.2afghan.nl/20191007-30USinvasion.pdf>
- 31- روز نحس با عشوه گری زیبا! <http://www.2afghan.nl/20191007-31USinvasion.pdf>

- 32- <http://www.2afghan.nl/20191007-32USinvasion.pdf> - علایم غروب امریکا!
- 33- <http://www.2afghan.nl/20191007-33USinvasion.pdf> - جنایات قصر سفید در افغانستان!
- 34- <http://www.2afghan.nl/20191007-34USinvasion.pdf> - کارمل، چهره ای منفوری که «وطنفروشی» را رنگ «روشنفکری» داد!
- 35- <http://www.2afghan.nl/20191007-35USinvasion.pdf> - من «چارلی» نه ام!
- 36- <http://www.2afghan.nl/20191007-36USinvasion.pdf> - مردی که به گمشده اش رسید!
- 37- <http://www.2afghan.nl/20191007-37USinvasion.pdf> - افغانستان در مسیری هیروشیما!
- 38- <http://www.2afghan.nl/20191007-38USinvasion.pdf> - معمای این هفته!
- 39- <http://www.2afghan.nl/20191007-39USinvasion.pdf> - یادی از «منصور» در پرتوی عملیات منصور!
- 40- <http://www.2afghan.nl/20191007-40USinvasion.pdf> - مکشی بر سخنان معاون سفیر سعودی در کابل!
- 41- <http://www.2afghan.nl/20191007-41USinvasion.pdf> - باید تاوان روزی را پرداخت، که قدرش را ندانستیم!
- 42- <http://www.2afghan.nl/20191007-42USinvasion.pdf> - اشکی بر شهدا!
- 43- <http://www.2afghan.nl/20191007-43USinvasion.pdf> - ورود ملیشه های امریکا به کابل!
- 44- <http://www.2afghan.nl/20191007-44USinvasion.pdf> - ماه گذشته بر قلب افغانستان 751 بمب اصابت نمود!
- 45- <http://www.2afghan.nl/20191007-45USinvasion.pdf> - ضمیر های مرده!
- 46- <http://www.2afghan.nl/20191007-46USinvasion.pdf> - آیا بخاطر دارید؟
- 47- <http://www.2afghan.nl/20191007-47USinvasion.pdf> - درد وجدان، «غرخره» ست!
- 48- <http://www.2afghan.nl/20191007-48USinvasion.pdf> - چرا احساس «قیام های قبلی»، در «شهرنشینان فعلی» نیست؟
- 49- <http://www.2afghan.nl/20191007-49USinvasion.pdf> - اشکی بر طلاب!
- 50- <http://www.2afghan.nl/20191007-50USinvasion.pdf> - «اجیر» تا به «اجیر»!
- 51- <http://www.2afghan.nl/20191007-51USinvasion.pdf> - کجایی، ای «عمر»!
- 52- <http://www.2afghan.nl/20191007-52USinvasion.pdf> - آنچه دیگران را از قلعه انداخت، اسامه را به قلعه رساند!
- 53- <http://www.2afghan.nl/20191007-53USinvasion.pdf> - از «خودکش» و «بیگانه پرست»!
- 54- <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP1.pdf> - گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش اول)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP2.pdf> - گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش دوم)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP3.pdf> - گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش سوم)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP4.pdf> - گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش چهارم)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP5.pdf> - گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش پنجم)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-54USinvasionP6.pdf> - گل معطر از سید گل «امت اسلامی»! (بخش ششم)
- 55- <http://www.2afghan.nl/20191007-55USinvasion.pdf> - یادی از «مردان راستین»!
- 56- <http://www.2afghan.nl/20191007-56USinvasion.pdf> - برگشت «فاسق» به «آشیانه فسق»!
- 57- <http://www.2afghan.nl/20191007-57USinvasion.pdf> - یادی شهید گمنام که «اولین اشغالگر» را به جهنم فرستاد!
- 58- <http://www.2afghan.nl/20191007-58USinvasionP1.pdf> - یتیمان «کمونیزم» در فرزندی «صلیبی ها» زنده تر گشتند! (بخش اول)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-58USinvasionP2.pdf> - یتیمان «کمونیزم» در فرزندی «صلیبی ها» زنده تر گشتند! (بخش دوم)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-58USinvasionP3.pdf> - یتیمان «کمونیزم» در فرزندی «صلیبی ها» زنده تر گشتند! (بخش سوم)
- 59- <http://www.2afghan.nl/20191007-59USinvasion.pdf> - گم شوید از کشور ما!
- 60- <http://www.2afghan.nl/20191007-60USinvasion.pdf> - حکومت ملیشه نی!
- 61- <http://www.2afghan.nl/20191007-61USinvasion.pdf> - پس کجا خواهی رفت!؟
- 62- <http://www.2afghan.nl/20191007-62USinvasion.pdf> - خطه ای طاغوت شکن!
- 63- <http://www.2afghan.nl/20191007-63USinvasionP1.pdf> - تحفه تو، کفن من! (بخش اول)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-63USinvasionP2.pdf> - تحفه تو، کفن من! (بخش دوم)
- <http://www.2afghan.nl/20191007-63USinvasionP3.pdf> - تحفه تو، کفن من! (بخش سوم)